

جایگاه نحوی کهن گرایی در آثار علی معلم دامغانی و مهدی اخوان ثالث با تاکید بر اشعار رجعت سرخ ستاره: قسم به فجر، فجر پشت دروازه است؛ زمستان و فراموش

۱- سمیه کاظم پور ۲- دکتر شهلا خلیل اللهی ۳- غفار برج ساز

۱- کارشناس ارشد زبان و ادبیات پایداری دانشگاه شاهد، haghhi60@gmail.com

۲- عضو هیات علمی دانشگاه شاهد، تهران، khalilollahi@yahoo.com

۳- عضو هیات علمی دانشگاه شاهد، تهران، aborjsaz@yahoo.com

چکیده

کهن گرایی یکی از راه هایی است که منجر به خروج از هنجار عادی زبان و در نهایت تمایز سبکی می شود. باز آفرینی جلوه های تاریخی زبان از رهگذر کهن گرایی در شکل گیری سبک و تأثیر کلام نقش بسزایی دارد. علی معلم و اخوان ثالث دو تن از شاعران معاصر هستند که از این شگرد در تمایز سبک اشعار خود بهره برده اند. ما سعی داریم، در این مجال به این نکته پردازیم که بیشترین بهره هر دو شاعر از واژگان کهن در چه جایگاه نحوی قرار دارد که به روش اسنادی توصیفی به این پرسش پاسخ داده شده است، بررسی ها حاکی از آن است که بیشترین بسامد جایگاه نحوی کلمات کهن در اشعار هر دو شاعر را قید تشکیل می دهد که به منظور بسط کلام و ارائه بهتر مطالب و احساسات به مخاطب انجام گرفته است.

کلید واژه ها: کهن گرایی، واژگان، جایگاه نحوی

۱- مقدمه

واحد های زبان بر پیشانی خود مهر زمان دارند، اگر عناصر زبان گذشته را از موقعیت تاریخی آن ها جدا کنیم و به درون بافت زبانی دوره های بعد منتقل کنیم، هنجار زمانی کلام شکسته می شود و سخن از بافت تاریخی که در آن تولد یافته فاصله می گیرد، بدین ترتیب راه تازه ای برای بیان عقاید و عواطف در شعر باز می شود و هر کدام از این عناصر تاریخی می توانند نقشی غیر از تمایز ظاهری سبک فراهم کنند.

سبک، در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر که به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القامی کند و آن نیز به نوبه خودش وابسته طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت می باشد. (بهار، ۱۳۳۷: ۵).

۱-۱- هدف و پرسش های پژوهشی

هدف این پژوهش این است که واژگان کهن چه نقشی در اشعار علی معلم و اخوان ثالث دارد؛ مسأله اصلی آن پاسخ به این پرسش است که کهن گرایی در آثار کدامیک از آن ها بسامد بیشتری دارد؟ همچنین بیشترین بسامد کهن گرایی نحوی، شامل چه حوزه دستوری می شود؟ این پژوهش به روش اسنادی توصیفی تحلیل آن صورت گرفته است

۳- تعاریف

سبک شناسی لایه ای به پنج لایه تقسیم می شود که با این روش مشخصه های برجسته سبک و نقش و ارزش آن ها در هر لایه جداگانه مشخص می شود و نیز کشف و تفسیر پیوندهای صوری متن بامحتوای آن را آسان تر می سازد، زیرا سهم و نقش هر بخش از زبان در شکل دادن به سبک به روشنی مشخص می شود سطوح و واحدهای تحلیل زبان که می تواند یک بررسی سبک شناسانه را سازمان دهی کند عبارتند از: لایه آوایی، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه معنی شناسیک (بلاغی) و لایه کاربرد شناسیک (ایدئولوژیک) (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۳۷)

تغییر و تحول چه در عرصه واژگان و چه در عرصه نحوی در طول زمان بدیهی است. آنچه که مسلم است زبان هر شاعر یا نویسنده باید به زبان عصر و روزگار خود باشد و اگر شاعر یا نویسنده ای در کلام خود از لغات مهجور استفاده کند می گویند کهن گراست. گاهی شاعر برای تشخیص بخشیدن به شعر، تاثیر آن در مخاطب و یا زنده کردن فضای سنتی و قدیمی در شعر خود از نحو یا واژگان گذشته و یا به اصطلاح مرده استفاده می کند، در مجموع به چنین عمل زبانی آرکائیسم یا باستان گرایی گفته می شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۶)

تحلیل آوایی:

عبارت است از بررسی آواهای زبان آن گونه که در گفتار تولید و ادراک می شوند؛ شیوه ی تلفظ واژه ها در گفتار و الگوهای زبان نوشتار (نویسه شناسی) با استفاده از علم آوا شناسی بررسی می شود.

تحلیل واژگانی:

بررسی کوچک ترین واحدهای معنادار زبان، ساختمان واژه و شیوه ی ساخت واژه ها، معنای آن ها، ائتلاف معنایی واژه ها با هم، دال ها و نشانه ها و مانند آن، بررسی این سطح از سبک به کمک دانش تکواژ شناسی (علم صرف) امکان پذیر است.

تحلیل نحوی:

بررسی ساختمان جمله ها، روابط واژه ها با هم، شیوه ی ترکیب واژه ها در عبارت ها و جمله ها، نظم و دستورمندی واژگان، تحلیل نقش معنی شناسیک واژه در جمله و ... بررسی این موضوعات در قلمرو علم نحو قرار می گیرد.

تحلیل معنی شناختی:

معنی شناس دربارۀ جمله و ارزش صدق معنای آن ها بحث می کند و به سرشت گزاره های زبانی و معنا داری جمله و مطابقت کلام با واقع و صدق و کذب گزاره ها می پردازد. از آن جاکه حوزه ی کار دانش معنی شناسی به جمله محدود می شود و بررسی ارزش صدق و دلالت منطقی، موضوع منطق و فلسفه ی زبان است، این شاخه چندان به کار بررسی سبک شناسی ادبی نمی آید.

تحلیل کاربرد شناسی :

تفاوت کاربرد شناسی با معنی شناسی در این است که معنی شناسی به معنای یک جمله بدون در نظر گرفتن گوینده، مکان و زمان گفتن و دیگر عوامل کلامی می پردازد؛ حال آن که کاربرد شناسی یا منظورشناسی، معنای سخن را در موقعیت و بافتی که به کار برده شده بررسی می کند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۳۹)

باستان گرایی:

کهن گرای ی یا آرکائیسیم یعنی به کار بردن کلمات منسوخ یا شیوه نحوی مهجور و غیر متداول در زبان امروز است. (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۴۶) تغییر و تحول چه در عرصه واژگان و چه در عرصه نحوی در طول زمان بدیهی است. آنچه که مسلم است زبان هر شاعر یا نویسنده باید به زبان عصر و روزگار خود باشد و اگر شاعر یا نویسنده ای در کلام خود از لغات مهجور استفاده کند می گویند کهن گراست. گاهی شاعر برای تشخص بخشیدن به شعر، تاثیر آن در مخاطب و یا زنده کردن فضای سنتی و قدیمی در شعر خود از نحو یا واژگان گذشته و یا به اصطلاح مرده استفاده می کند، در مجموع به چنین عمل زبانی آرکائیسیم یا باستان گرایی گفته می شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۶)

مهدی اخوان ثالث و علی معلم دامغانی هر دو شاعران حوزه ادبیات پایداری هستند که با صفت مشخص کهن گرا یاد می شوند، به عبارت دیگر جزو آن دسته شاعرانی هستند که استفاده از عناصر متعلق به ادبیات قرون گذشته در آثار آن ها مشهود است. در این مجال تلاش می کنیم تا جایگاه نحوی استفاده از واژگان کهن را در شعر پر آوازه "زمستان" از مهدی اخوان ثالث و "رجعت سرخ ستاره" از علی معلم دامغانی مورد بررسی قرار دهیم.

۴- معرفی اجمالی مهدی اخوان ثالث

مهدی اخوان ثالث (۱۰ اسفند ۱۳۰۷ مشهد - ۴ شهریور ۱۳۶۹ تهران)، شاعر پر آوازه و موسیقی پژوه ایرانی بود. نام و تخلص وی در اشعارش م. امید بود. اشعار او زمینه اجتماعی دارند و گاه حوادث زندگی مردم را به تصویر کشیده است؛ همچنین دارای لحن حماسی آمیخته با صلابت و سنگینی شعر خراسانی و نیز در بردارنده ترکیبات نو و تازه است. اخوان ثالث در شعر کلاسیک فارسی توانا بود و در ادامه به شعر نو گرایید. از وی اشعاری در هر دو سبک به جای مانده است. همچنین او آشنا به نوازندگی تار و مقام های موسیقایی بود

۴-۱- معرفی اجمالی علی معلم دامغانی

استاد علی معلم دامغانی در سال ۱۳۲۰ در دامغان متولد شد. و پس از اخذ دیپلم از سمنان و شاهرود به تحصیل در دانشکده های حقوق و علوم انسانی دانشگاه تهران پرداخت. وی علاوه بر تدریس شعر، موسیقی و ادبیات، معاون فرهنگی حوزه هنری سازمان تبلیغات، عضو شورای شعروارت فرهنگ و اسلام و رییس مرکز موسیقی سازمان صدا و سیما بود. وی در سال ۱۳۸۰ در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه شعروادب فارسی برگزیده شد.

کهن گرایی نحوی در اشعار معلم

در شعر "رجعت سرخ ستاره" جمله‌ها کوتاه و اغلب یک یا دو فراکردی هستند و رابطه جمله‌ها اغلب از نوع گسسته می‌باشد و این چنین نحوی با فضای کلی شعر که درباره یکی از قطعی‌ترین اعتقادات شاعر است مناسب دارد.

جایگاه نحوی واژگان کهن به کاررفته در این شعر بدین شرح است:

باور کنیم رجعت سرخ ستاره را میعاد دستبرد شگفتی دوباره را
در این بیت کلمه میعاد در نقش مفعول و دستبرد در نقش ماند هیئات بر زمانه که انسان جهول ماند
در این بیت کلمه رشک، ملول و جهول در نقش قید به کار رفته اند.

راوی! بخوان که افسر سیارگان مه است راوی! بخوان که مهدی موعود در ره است
در این بیت کلمه مه در نقش مسندالیه و افسرو ره در نقش قید به کار رفته است.
ای دوست، ای عزیز مجاهد، رفیق راه مقداد روز، مالک شب، میثم پگاه
در این بیت کلمه پگاه در نقش مضاف الیه به کار رفته است.

به ما چه می‌کنند به رندی در آشیان این نابهارخانه به دوشان، حرامیان
در این قسمت کلمه حرامیان در نقش بدل و خانه به دوشان در نقش فاعل و نابکار در نقش صفت به کار رفته است
علی معلم در این شعر نسبتاً بلند ابتدا باورهای فطری انسان و نیز سرگذشت کوتاهی از انبیا را یادآور می‌شود و در نهایت به
تذکر وعده ظهور حضرت مهدی (عج) می‌رسد.

استفاده از صورت کهن برخی واژگان نشان دهنده گرایش کهن گرایی در این شعر می‌باشد.
این واژگان عبارتند از:
افعال کهن: "رهید" (رهاشد)، "کرده بود" (ساخته بود).

اسم‌های کهن

اسامی پیامبران الهی: "براهیم" (ابراهیم)
اسم اوقات روز: "پگاه" (صبح زود)

اسم مشاغل غیر مقبول: "حرامیان" (دزد راه زن)

اسامی مربوط به صفات انسانی: "دستبرد" (هنر مردی و عیاری)، "جهول" (نادان، بی‌خرد)، "رشک" (حسد)، "ملول" (بی‌قرار)
اسامی مربوط به مظاهر آسمان: "مه" (ماه).

اسم‌های مربوط مکان‌ها: "ره" (راه).

اسامی مربوط به زیور آلات: "سیم" (نقره)، "افسر" (تاج).

شعر : قسم ، به فجر قسم ، صبح پشت دروازه است.

اسم هایی که در این شعر به کاررفته اند از چند حوزه معنایی خارج نیستند: واژگان مربوط به زندگی صحرا نشینی زمان پیامبر و لوازم آن از جمله جنگ و کارزار ، که با توجه به مضمون اصلی شعر که در باره سوره قدر است، تداعی کننده زندگی قبیله ای اعراب باشد **درفش**: (علم بزرگ، لمعان و درخشش)، حصان (اسب نر)، قافله (ام)، فراز (بالا)، خیمه (چادر)، تیغ (شمشیر)، نطع (بساط و فرش چرمین)، صیحه (فریاد)، زنگ (زنگبار مملکتی در ساحل شرقی آفریقا)، هیمنه (وقار، شکوه) باره (اسب)، دشنه (کارد بزرگ)، براق (نام اسبی که پیامبر در معراج بر آن سوار بود)، سواد (سیاهی)، یلان (شجاع و پهلوان).

کلمات مربوط به حوزه شراب خواری :

رحیق: (باده ناب)، **مل** (شراب انگوری) پیمانانه (ظرف شراب)، **می** (شراب انگوری) کلمات مربوط به مظاهر طبیعت: **حضيض** (سنگ، پستی، پستی زمین، نشیب زمین)، **ستیغ** (بلندی سر کوه) .

کلمات مربوط به حالات و رفتارهای انسانی:

پوی (رفتنی باشد نه به شتاب و نه آهسته ، رفتار متوسط) ، زیانکاره (متضرر) **خویشتن** (خود)، **ستاده** : (ایستاده).

حروف اضافه:

چو (زمانی که) سه بار تکرار شده است، چون (مانند) چهار بار تکرار شده است.

اما جایگاه نحوی کلمات کهن در این شعر بدین شرح است.

به شهوت شب محتوم چون فرو گیرد شبی که بستر از خواب از ستاره شو گیرد کلمه فرو گیرد در این بیت به عنوان فعل به کار رفته است.

به شهوت شب محتوم چون فراز آید درفش اختر ثاقب در اهتزاز آید

درفش در این بیت به عنوان فاعل و فراز آید در نقش فعل به کاررفته است.

به شهوت شب محتوم چون فتوح آرد به شب نشین ملانک رحیق روح آرد

رحیق در این بیت به عنوان مفعول ذکر شده است.

شبی نشسته سپید و شبی ستاده سیاه شبی به حادثه افزون تر از هزاران ماه

کلمه ستاده در این بیت در جایگاه قید به کار رفته است.

حضيض جاده هجرت جلال غربت داشت کویر مرده هستی ملال غربت داشت

کلمه حضيض در این بیت در جایگاه صفت قرار دارد.

قسم به عصر که پوی آواره است. که برسپاس زمین آدمی زیانکاره است.

پوی در این بیت در نقش صفت برای عصر به کار رفته است.

به گوش قافله بانگ جلیل برداریم به شهر خفته صلا ی رحیل برداریم

صلا برداشتن فعل مرکب است. اما در متون قدیم صلا زدن و صلا دادن به کار رفته است. در حالی که شاعر در اینجا فعلی

جدید به صورت فعل مرکب صلا برداشتن به وجود آورده و صلا بخش اول این فعل مرکب جدید قرار گرفته است.

به چرم خیمه میان را زمخت بر بندیم فراز اسب قدر تیغ لخت بر بندیم

فراز در این بیت در نقش قید به کار رفته است. تیغ در این بیت در نقش مفعول به کار رفته است. بر بندیم در این بیت در نقش فعل (فعل پیشوندی) به کار رفته است.

به حشر فتنه به یک سر برافرازیم ز خون به نطع زمین طرح نو دراندازیم
نطع در این بیت به عنوان متمم قید مکان به کار رفته است. کلمه دراندازیم در این بیت در جایگاه فعل به کار رفته است.

شب از حضيض نهران سوی اوج می آیند چو وقت وقت رسد فوج فوج می آیند
کلمه حضيض در این بیت در نقش گروه متممی (قید مکان) می باشد.
که گرد ظلمت شب را ز باره می شویند به خون تازه زمین را دوباره می شویند
باره در این بیت در نقش متمم به کار رفته است.
به خنده خنده ملک را مل از دهان بمزیم سبوکشان به گزک سبب حوریان بگزیم
در این بیت مل در نقش مفعول به کار رفته است.
اگرچه شهد امل را حلاوت از شکر است. حکایت لب شیرین حکایتی دگر است.
کلمه امل در این بیت در نقش مضاف الیه به کار رفته است.
براق حادثه زین کن عروج باید کرد طلوع صبح دگر را خروج باید کرد
براق در این بیت در نقش مفعول به کار رفته است.
قران شمس و قمر را قرینه ها رفتند به بوی باد موافق سفینه ها رفتند.
بو در این بیت در نقش متمم به کار رفته است. باد موافق در این بیت در نقش مضاف الیه به کار رفته است. سفینه در این بیت در نقش فاعل به کار رفته است.

شدند و خیره هنوز آن شکوه می بینم سواد سایه شان را به کوه می بینم
سواد در این بیت در نقش مفعول به کار رفته است. خیره در این بیت در نقش قید به کار رفته است.

بیا به جهد مفری به راغ بگشاییم بیا به نقب دری سوی باغ بگشاییم
راغ در این بیت در نقش قید مکان به کار رفته است.
با توجه به این مطالب بیشترین استفاده علی معلم از واژگان کهن در این شعرها در جایگاه قید می باشد، بنابراین شاعر از واژگان کهن بیشتر برای حالات و زمان و مکان و در واقع در نقش های غیراصلی جمله و به منظور ارائه بهتر احساس و مقصود خود استفاده کرده است.

کهن گرایی نحوی در شعر زمستان اخوان

شعر پرآوازه زمستان یکی از بهترین اشعاری است که شاعر به خوبی توانسته است از عهده به تصویر کشیدن فضایی سرد و فسرده برآید. کلمات کهن به وفور در این شعر به چشم می خورد. در این شعر جمله ها یک یا دو فراکردی بوده و رابطه جمله ها از نوع سبک وابسته می باشد. جایگاه نحوی واژگان کهن به کاررفته در این شعر بدین شرح است:

سر ها در گریبان است

در این قسمت کلمه **گریبان** در نقش متمم (قید مکان) به کاررفته است.
مسیحای جوانمرد من! ای ترسای پیر پیرهن چرکین! هوا بس ناجوانمردانه سرد است.

در این قسمت کلمه **ترسا** در نقش منادا و **بس** در نقش قید حالت به کاررفته است.
منم من، میهمان هرشب، لولی وش مغموم

در این قسمت کلمه **لولی وش** در نقش مسند الیه به کاررفته است.
من امشب آمدستم وام بگذارم

در این قسمت کلمه **آمدستم** در نقش فعل به کاررفته است.
چه می گویی که بیگه شد، سحر شد، بامداد آمد؟ فریبیت می دهد، بر آسمان این سرخی بعد از سحرگه نیست

در این قسمت کلمه **بیگه** و **سحرگه** در نقش قید زمان به کاررفته است.
حریفا رو چراغ باده را بفروز

در این قسمت کلمه **رو** در نقش فعل، **باده** در نقش مفعول، **بفروز** در نقش فعل به کاررفته است.
این کلمات عبارتند از:

اسم لوازم شراب خواری: "باده" (شراب).

اسم اوقات کهن: "بیگه" (مخفف بیگه)، "سحرگه" (مخفف سحرگاه).

اسم حالات و صفات انسانی: "لولی وش" (مانند لولی، بی خانمان).

اسم پیروان ادیان الهی: "ترسا" (ترسنده، مسیحی).

اسم قسمت های مختلف لباس: "گریبان" (بخشی از جامه که گردن را می گیرد، بقیه).

قیود کهن: "بس" (بسیار).

حروف اضافه: "الف ندا" (ای، چهار بار تکرار شده است).

افعال کهن: "آمدستم" (آمده ام)، "رو" (برو)، "بفروز" (روشن کن).

کهن گرایی نحوی در شعر فراموش

در این شعر جمله ها اغلب کوتاه و یک یا دو فراکردی بوده و رابطه جمله ها از نوع سبک وابسته می باشد. جایگاه نحوی واژه های کهن به کاررفته در این شعر بدین شرح است:

مست و مستانه هماهنگ سکوت بزمین و زمان می نگرید

در این قسمت کلمه می نگرید در نقش فعل به کاررفته است.

او درین دشت بزرگ، چشمه کوچک بی نامی بود. کز نهان خانه تاریک زمین، در سحرگاه شبی سرد و سیاه به جهن چشم گشود

در این قسمت کلمه نهان خانه در نقش متمم (قید مکان) به کاررفته است.

طاووسان فارغ و خاموش نگه کردند

در این قسمت کلمه کردن در نقش فعل به کاررفته است.

با شما هستم من، آی ... شما اخترانی که درین خلوت صحرای بزرگ، شب که آید چو هزاران گله گرگ، چشم بر لاشه رنجور زمین دوخته آید

در این قسمت کلمه اختر در نقش فاعل به کاررفته است.

واندر آهنگ بی آزرم نگهتان، تک و توک سکه هایی همه قلب و سیه، اما به زران دوده ز احساس و شرف، حیلۀ بازانه نگهداشته، اندوخته آید.

در این قسمت کلمه اندر در نقش قید مکان/بی آزرم در نقش صفت/نگه در نقش صفت/قلب در نقش صفت به کاررفته است.

نه به مردابی یک ماهی پیر هشت بر پولکش از وی تصویر

در این قسمت کلمه هشت در نقش فعل به کاررفته است.

تازه ماه از پس کھسار برون آمده بود:

در این قسمت کلمه پس در نقش متمم (قید مکان)/کھسار در نقش مضاف الیه/ برون در نقش قید به کاررفته است.

با توجه به موارد بالا در می یابیم که جایگاه نحوی استفاده از واژگان کهن در این شعر بیشتر جایگاه قید می باشد. بنابراین شاعر از واژگان کهن بیشتر برای بیان حالت و زمان و مکان و در واقع در نقش های غیر اصلی جمله استفاده کرده است.

نتیجه

آن چه که از اشعار این دو شاعر بر می آید، به جرات می توان گفت لحن حماسی علی معلم به دلیل اقتضای روزگار وی بوده است، علی رغم اخوان ثالث که لحن حماسی او تحت تأثیر زندگی در خاستگاه حماسه و نیز مطالعه زیاد در مورد حماسه هاست. هردو شاعر از واژگان کهن و عناصر مربوط به گذشته ادبیات فارسی استفاده کرده اند، اما با این تفاوت که علی معلم از تمامی جنبه ها از جمله حجم شعر، وزن و موسیقی شعر، قالب شعری و جنبه های دیگر ادبی به کهن گرایی توجه داشته است ولی کهن گرایی اخوان ثالث از بهره گیری از برخی حروف اضافه منسوخ و یا واژگانی که امروزه تغییر معنی داده اند فراتر نمی رود. چرا که شعر او شعر نیمایی است و همان ویژگی های شعر نیمایی را نیز دارد. زبان اخوان ثالث او از ترکیب دو وجه "آرکائیسیم" و "زبان امروز" و پیوند این دو در بستر "گرایش به منطق نثر" سامان یافته است. تفاوت اصلی زبان شعر اخوان با سایر آثار اینست که در اینجا آرکائیسیم رنگ کمتری دارد و گرایش به منطق نثر، خاصه در افتتاحیه اشعار نمود کمابیش بیشتری دارد. زبان اخوان ثالث، در لحظه های اوج، به سوی آرکائیسیم حرکت می کند. تصویر نیز در شعر مهدی اخوان ثالث نقشی بسیار تر از زبان معلم مهم دارد؛ هردو شاعر برای بیان افکار خود از واژه های کهن در قالب قیود مختلف استفاده می کنند، چرا که قید موضع گیری شاعر درباره عقاید و نیز میزان قطعیت آن را مشخص می کند.

منابع

- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۲). زمستان، تهران. نشر مروارید.
 - باقری، مهتری (۱۳۸۷). مقدمات زبان شناسی هرا. نشر قطره.
 - بهار، محمد تقی (۱۳۶۹). سبک شناسی. تهران: سپهر.
 - پورنامداریان، تقی (۱۳۷۲). خانه ام ابری است، تهران: انتشارات سخن.
 - شفیعی کدکنی محمد رضا، موسیقی شعر، (۱۳۹۱). تهران: نشر آگه
 - شمیسا، سیروس (۱۳۸۰). سبک شناسی.
 - فتوحی روده معجنی محمود، (۱۳۹۱). سبک شناسی نظریه ها رویکرد ها و روش ها، تهران: انتشارات سخن
- نثر. تهران: میترا.
- معلم دامغانی، علی (۱۳۸۷). رجعت سرخ ستاره، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.